

اسلام و حرمت کارگران
به مناسبت اول می، روز جهانی کارگر
دکتور فرید یونس

روز اول می به جزء از چند کشور محدود، نود و پنج در صد مردم جهان روز کارگر را تجلیل میکنند اساساً مسئله حقوق کارگر در اثر یک شورش که به نام «هی مارکیت» مشهور شد در شهر شیکاگو در ایالات متحده امریکا به تاریخ چهارم ماه می 1886 به خاطر هشت ساعت کار به وقوع پیوست. قبل از آن کارگران نه تنها بدون یک نظم کارگری کار میکردند جزئی ترین امتیاز نداشتند. درین شورش هشت نفر کشته شد و در حدود شصت نفر زخمی شدند. سال 1889 بود که کانگرس کارگران بین المللی به تعقیب کانگرس اتحادیه تجاری لندن در شهر پاریس، فرانسه دایر شد. درین میان کانگره سوسیالیسان فرانسه هم دایر شد که روحیه مارکسیستی داشت. در کانگرس دوم بین المللی در شهر بروکسل (1891) دایر شد و روز اول می بطور رسمی روز بین المللی کارگر شناخته شد. اکثراً این روز را به مارکسیست ها و سوسیالیستان ربط میدهند در حالیکه اول از یک کشور سرمایه داری آغاز یافت. ایالات متحده آمریکا به همین دلیل و به مخالفت کمونیست ها اولین دوشنبه ماه سپتامبر را به نام روز کارگر تجلیل می کنند و رخصتی عمومی است، نه اول می را و این تصمیم ایالات متحده یک عده زیاد را که از تاریخ آگاهی نداشتند متقاعد ساخت که گویا اول می یک تعطیل کارگری سوسیالیستی است مخصوصاً با ظهور انقلاب سوسیالیستی لینین (1917)، این روز را یک میراث کمونیسم میدانند در حالیکه تاریخچه موضوع چیز دیگری است. در کشور های عمده اسلامی مانند عربستان سعودی و ایران هم این روز را به همین منظور تجلیل نه میکنند اسلام چهارده سال قبل از نگاه اقتصادی حد وسط را در پیش گرفت. حد وسط از نگاه اقتصادی همان است که نه سرمایه مانند سرمایه داری به دست چند نفر محدود است و نه به دست دولت است که انسان خودش نتواند در امور اقتصادی تصمیم بگیرد و انسان را از طریق ایمان مسئول اقتصادی می سازد و می گوید

وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

یعنی و از آنچه روزی شان داده ایم انفاق میکنند (سوره بقره آیه سوم). درین آیه روزی تنها غذا نیست. روزی از نگاه اقتصادی قرآن، ثروت، خوراک، سرمایه و علم است. یعنی اگر شما ثروت دارید، غذا دارید، و علم دارید باید با مردم شریک شوید. این بدین معنی است که تمرکز سرمایه مانند سرمایه داری به دست چند نفر روا نیست. و علم هم در انحصار هیچ کس نیست؛ نه دین مانند روحانیون کلیسا و نه دیگر علوم

قرآن در سوره آل عمران آیه می گوید

أَنْتُمْ لَا أَضِيعُ عَمَلٌ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ

یعنی من کار هیچ صاحب عملی را از شما چه مرد باشد چه زن باشد که همه مانند یکدیگرند ضایع و بی پاداش نمی گذارم آیه فوق از حقوق کارگر صحبت می کند. چند نکته مهم درین آیه مبارک نهفته است اول اینکه عمل، کار معنی میدهد. این عمل در تفاسیر کلاسیک به زیر عنوان عمل صالح یعنی دادن زکات و صدقه تفسیر شده است. اینجا اصلاً قرآن مردم را به کار کردن تشویق می کند، مرد باشد و یا زن باشد. نکته دوم اینکه کار کردن برای مرد و زن است نه تنها مرد ها و پاداش آنرا برای کسانی که کار میکنند چه مرد باشد چه زن باشد، خداوند میدهد. سوم درین آیه زن و مرد را از همدیگر دانسته است یعنی از نگاه کارگری حقوق مساوی دارند

در آیه یکصد و پنجم سوره توبه می گوید

وَقُلْ اَعْمَلُوا یعنی کار کنید. شرف و عزت و آبروی یک انسان از نگاه قرآن چه مرد باشد چه زن باشد کار کردن است. و این دولت هاست که باید شرایط کار را مهیا کنند. در سوره نجم آیه سی و نهم خداوند می گوید

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ

و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده است، نیست

این آیه مبارک انسان را نه تنها به کار تشویق میکند بلکه میرساند که انسان با تلاش خود از نگاه علمی و اقتصادی یک جایی میرسد. انسان از دید قرآن نه برده یک دولت است و نه برده سرمایه دار چنانچه امروز در غرب نود و نه در صد برای یک در صد کار میکنند. انسان یک موجود خود مختار و خود اکتفا باید باشد و برای خود تصمیم گیرد نه اینکه دیگران برای او تصمیم گیرند در سوره بقره آیه یکصد و نود هشتم خداوند مردم را در بزرگترین مراسم عبادت یعنی حج، به تجارت و کار تشویق میکند و می گوید

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّنْ رَبِّكُمْ

یعنی بر شما گناهی نیست که در طلب روزی [تجارت] پروردگار تان را بجوید

این آیه مسلمانان را نه تنها در ایام حج به تجارت تشویق میکند بلکه تجارت آزاد را تشویق میکند یعنی مستقیماً فلسفه مارکسیزم را که باید تولید در دست طبقه خاص و دولت باشد باشد رد میکند. ما دیدیم که زیر نام پرولتاریا چه بدبختی اقتصادی دامنگیر کشورها شد. در عین زمان، اسلام نظام سرمایه داری را رد میکند زیرا صریحاً سودو اسراف را حرام میداند و نظام سرمایه داری به چهار اساس از نگاه جامعه شناسی اقتصادی می چرخد: اول سود که استثمار فرد از فرد است. از همین لحاظ افلاطون مخالف سود بود، حضرت عیسی (ع) مخالف سود بود و قرآن سود را مطلق حرام دانست. دوم اسراف که از انسان یک برده خرید ساخته است یعنی

مصرف کننده. سوم مواد خام ارزان از همین سبب کشور های نفت خیز در زیر یوغ ایالات متحده آمریکا است و عراق و افغانستان به خاطر مواد خام ارزان اشغال شد و کارگر ارزان چنانچه کارگران مکزیکی در آمریکا استثمار شده‌اند، ترکی در آلمان و الجزایری در فرانسه. این کشور ها بعد از جنگ عمومی دوم بدون "کارگر مهمان" که در آلمان یک واژه ساخته شد به نام "گست" آبیاده" اصلاً آباد نه میشد و اما امروز با کارگر ترک و مکزیکی و الجزایری چه رویه میکنند که شرم آور است

احادیث بسیار زیاد از رسول اکرم (ص) روایت شده است که با تقدیم چند تایی آن اکتفا می‌کنیم بر امت خویش بیشتر از هر چیز از شکم پرستی و زیادخواهی و بیکارگی و بی‌ایمانی بیمناکم". درین جا اسلام تنبلی را که، انتی تز کارگری و کار کردن است محکوم میکند». حدیث «هر کس کاری میکند باید آنرا خوب انجام دهد» درین حدیث کار با صداقت را سفارش میکند نه اینکه تقلب در آن نهفته باشد. یعنی اسلام در امور کار و کارگر مسله ایمان را مطرح میکند که نه نظام سرمایه داری این مسله را مطرح کرده است و نه کمونیستی. حدیث سوم «وقتی کار را بدست مردم نا اهل سپارند منتظر روز رستاخیز باش». درین حدیث حق باید به حقداد برسد. اسلام برای پیشرفت امور در زندگی و ترقی اقتصادی توصیه می‌کند تا کار به اهل آن سپرده شود، مطرح میکند. اما امروز در یک کشور اسلامی یا باید آخوند باشی یا از یک قوم باشی یا طرفدار سلطنت و یا قدرت سیاسی باشی که کار داشته باشی؛ اهلیت و لیاقت در کار اصلاً مطرح نیست. حدیث چهارم «انجام دادن کار نیک بهتر از آغاز کردن آن است»

یک مسله اخلاقی دیگر که کیفیت و کمیت کار را در رابطه به تولید مطرح میکند. چون این مسله در نظام کمونیستی مطرح نبود، طور مثال یک موتر روسی با موتر مرسدس بنز رقابت کرده نه می‌توانست. حدیث پنجم «مزد کارگر را قبل از اینکه عرق آن خشک شود بپردازید» درین حدیث استثمار کارگر را اسلام ممنون قرار میدهد و سفارش میکند که مزد کارگر اول پرداخته شود. در دیگر نظام ها اول از کارگر کار میگیرند بعد مزد میدهند و آنهم بخور و نمیر. رستوران‌های غذا های سریع مانند همبرگر فروشی ها بهترین مثال آن است. حدیث ششم "چنان کار کن که گویی هیچ وقت نخواهی مرد و چنان بیمناک باش که گویی فردا خواهی مرد» این حدیث انسان را تشویق به کار میکند و در عین زمان برایش می‌گوید که در کار صادق باش و خیانت مکن زیرا جوابگو هستی. یعنی کار باید در چارچوب اخلاق باشد. حدیث هفتم «کار کنی زیرا هر کسی آنچه را برای آن ساخته شده بدست می‌آورد". این حدیث انسان را یک موجود خود مختار و با صلاحیت در تولید قرار میدهد تا خودش تصمیم گیرد. همچنان هر انسان برای یک استعداد خاص خلق شده است و باید استعداد ها تشویق شود

با کمال تأسف در کشور های اسلامی بیکاری به اوج آن است. عربستان سعودی از بزرگترین استثمار گران حقوق کارگر است. مردمان فقیر کشور های بنگله دیش و هندوستان و سریلانکا و فلیپین که غیر عرب هستند با مزد فوق العاده ناچیز در آن کشور خدمت میکنند و از هر گونه امتیاز بی بهره هستند. کارگران افغانی در ایران استثمار شده‌اند و از هیچگونه امتیاز به نام کارگر ندارند. معیار بیکاری در عربستان سعودی زیاد تر از دوازده در صد است و معیار بیکاری در ایران از یازده در صد بالا است در حالیکه ثروتمندان و آنانیکه در قدرت هستند با عیش و نوش زندگی میکنند. و توزیع عادلانه ثروت وجود ندارد و جالب است که این کشور ها را مردم به نام مسلمان می‌شناسد و فکر میکنند که اسلام همین نماز خواندن و حج رفتن و عمامه و ریش است و از استثمار که حکومت ها به نام اسلام مردم را استثمار کرده‌اند نه میخواهند چیزی بدانند و در حالیکه وهابی و آخوندی هر دو بالای مردم ظلم می‌کند

وظیفه یک دولت اسلامی که اصلاً در جهان وجود ندارد مراقبت اخلاق و لباس مردم نیست. اولین وظیفه آن امنیت است دوم اقتصاد و سوم آموزش و پرورش. وقتی که معیار بیکاری در یک کشور از دوازده در صد بالا باشد امنیت نیست. امنیت که نبود اقتصاد پیشرفته نیست و معیار بیسوادی در کشور های مسلمان سرسام آور است. همچنان، در غرب و شرق هم که متأسفانه نه سرمایه داری مشکل کارگر را حل کرده است و هر روز مردم برای یک دلیل عدم عدالت اقتصادی به خیابان‌ها میریزند. شرکت های آمریکایی و اروپایی در کشور های عقب مانده به خاطر کارگر ارزان تولید میکنند و مالیه هم نه می‌پردازند. استثمار که شاخ و دم ندارد. به جای کمک واقعی همه کشور ها را بانک جهانی زیر قرض گور کرده است. و نه کمونیزم مشکل کارگر را حل کرده است زیرا نه تنها که انسان برده دولت است یک عده مردم بیکار هستند. از نگاه اسلام کار تنها برای عاید داشتن نیست؛ بلکه برای یک نظام خانوادگی سالم و اخلاق مدنی سالم و صحت و سلامتی سالم است که انسان باید کار کند

از کار کردن شرم نیست و فخر یک انسان مؤمن کار کردن است چه مرد باشد چه زن باشد. خداوند انسان را تنها به تقوی می‌شناسد نه اینکه ما چه شغل داریم. در نظام های غیر اسلامی از طبقات اجتماعی شکایت داشتند و مارکس اساس مبارزات او از نگاه جامعه شناسی همین بود و اما وقتی پیروان او به قدرت رسیدند نه تنها مانند خود شان طبقات رابه نام حزبی و غیر حزبی به وجود آوردند و دیگران را برده خود ساختند، هزاران نفر را به نام پرولترایا به قتل رساندند. به امید روزی که در کشور زادگاه همه کار داشته باشند و مردم تنها با تقوی و انسانیت شناخته شوند نه مقام اقتصادی، ثروتمند، مستمند و به یک چشم دیده شود و این کار تنها از طریق ایمان کامل متصور است نه نظام سرمایه داری و کمونیستی